



حامی انضباط بازار

قریب به اتفاق دوستان قدیمی حاج احمد کریمی اصفهانی معتقدند او در کارش جدی بود و در ایجاد نظم و برقراری قانون در بازار با کسی شوخی نداشت. اصغر محمدی، یکی از معدود بازمانده‌های نسل قدیم لوطی‌های بازار تهران که چند دهه در کارهای خیر و عام‌المنفعه حاج احمد را همراهی می‌کرد، می‌گوید: «فاقت من با حاج احمد به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود و در این مدت طولانی شناخت عمیقی از او پیدا کردم. حاج احمد کسی بود که یک تنه نظم و انضباط را در بازار برقرار می‌کرد و در این مورد خاص بسیار سختگیر بود. علاقه عجیبی به بازار تهران داشت و معتقد بود که بازار تهران به عنوان میراث فرهنگی تهران و جایی که هزاران، بلکه میلیون‌ها نفر در آن امرار معاش می‌کنند از حرمت خاصی برخوردار است. برای همین همواره به گونه‌ای عمل می‌کرد که نظم در محدوده بازار برقرار باشد و روی هر ج و مرج و بی‌نظمی‌های محدوده اطراف حساسیت زیادی به خرج می‌داد.»



نجات تیمچه حاج‌الدوله

قدیمی‌های بازار از حاج احمد کریمی اصفهانی به‌عنوان کسی یاد می‌کنند که تیمچه حاج‌الدوله را از اتفاقات روزهای پرتلهاب اوایل پیروزی انقلاب در امان نگه داشت. اصغر محمدی می‌گوید: «بعد از پیروزی انقلاب، تیمچه حاج‌الدوله دستخوش تغییرات زیادی شد و نوعی هرج و مرج در این بخش بازار به وجود آمده بود. بعد از پیروزی انقلاب، تعدادی از حجره‌دارهای تیمچه حاج‌الدوله جای خودشان را به افراد دیگری داده بودند و دستفروش‌ها با آگاهی از عدم تسلط تازه‌واردان به قوانین، به این بخش بازار هجوم برده بودند. تیمچه حاج‌الدوله، بازار امین‌الملک و بازار زید برای بازار از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است و حاج احمد با آگاهی از این موضوع، نظم را به این بخش از بازار برگرداند.»

دنبال طلب نمی‌رفت

حاج احمد لایه‌های همه مشغله‌های روزمره در بازار تهران، پای ثابت کارهای خیر و عام‌المنفعه بود و همه بازاری‌هایی را که دستی در کار خیر داشتند برای کمک به نیازمندان بسیج می‌کرد. اصغر محمدی معتقد است که حاج احمد کریمی اصفهانی جانشین مناسبی برای بزرگان بازار تهران بود: «حاج احمد جانشین حاج سعید امانی، مرد شماره یک و مرد معتمد بازار در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب بود و با جدیتی که داشت جای خالی حاج سعید را پر کرد. او از همان ابتدای فعالیتش وارد کارهای خیر و عام‌المنفعه شد. دایره کارهای خیر حاج احمد از بازار تهران تا حوالی شهرری بود و بارها پیش آمد پولی را که به افراد نیازمند داده بود، بخشید.»



چند روایت درباره مرد مقتدر قلب تجاری پایتخت

راه و رسم بزرگان

وقتی در بازار تهران از حاج احمد کریمی نام می‌برید با مجموعه‌ای از کارهای خیر و عام‌المنفعه روبه‌رو می‌شوید؛ در دل هر کدام از این گره‌گشایی‌ها پای مرحوم کریمی در میان است؛ از جزئی‌ترین مشکلات در بازار تهران مانند رفع سد معبر و آسفالت کردن خیابان برای تردد راحت عابران گرفته تا تهیه وام برای کاسبان خسارت‌دیده یا ساخت خانه برای سیل‌زدگان گرگان و... به گفته حاج مصطفی بهار لویی، از دوستان نزدیک حاج احمد، وقتی به او متذکر می‌شدیم تا کمی از فعالیت‌هایش کم کند و مراقب سلامتی و قلبش باشد، پاسخش این بود که خداوند قلب داده تا به واسطه آن پیگیر مشکلات مردم باشم. در این گزارش، فعالیت‌ها و ویژگی‌های مرحوم حاج احمد کریمی به روایت مصطفی بهار لویی پیش‌روی شماست.

سرسخت در برابر بی‌نظمی و تأخیر

مردمداری، رعایت ادب و اخلاق مهم‌ترین ویژگی حاج احمد به روایت دوستان و آشنایان و نزدیکان است. حاج‌آقا همیشه صبورانه پای صحبت و درد دل مردم و همکاران می‌نشست، اما هرگز اهل تو ذوق زدن و مخالفت‌های غیر منطقی نبود؛ حتی وقتی نظر طرف مقابل برخلاف عقیده‌اش بود. به شدت برای نظم و انضباط و عمل به وعده ارزش قائل بود تا جایی که از هیچ بدقولی و بی‌نظمی، حتی در دیدار با مسئولان گذشت نمی‌کرد. بهار لویی در این باره تعریف می‌کند: «در همه جلسات، چه کاری و چه غیر کاری، همیشه سر وقت حاضر می‌شد. یک‌بار با یکی از مسئولان جلسه‌ای داشتیم، این مسئول نیم‌ساعت دیر به جلسه آمد. حاج‌آقا خیلی سریع جلسه را ترک کرد و گفت: «وقتی کسی برای وقت مردم احترام قائل نمی‌شود، برای قول و وعده‌اش هم ارزش قائل نخواهد شد. به همین دلیل تحت هیچ شرایطی به نظم جلسه‌های کار، نشست‌ها و قرارهایش بی‌توجهی نمی‌کرد.»

راز جذبه و اقتدار

«سر حاج احمد همیشه برای کار خیر درد می‌کرد. برای انجام همه کارها جذبه و اقتدار داشت، دلیل اصلی‌اش هم این بود که برای هر کاری شخصاً وقت و انرژی می‌گذاشت. با نظم و انضباطی که داشت برای کسی جای حرف باقی نمی‌گذاشت.» حاج مصطفی بهار لویی با این توصیف از ماجرای شروع رفاقت‌شان با حاج احمد یاد می‌کند: «زمان آشنایی ما به روزهای مبارزات انقلابی و فعالیت‌های سیاسی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسد. در واقع جرعه آشنایی ما از آنجا شروع شد و رفاقتی چهل و چند ساله شکل گرفت، البته بیست و چند سالی هم از این مدت رفاقت به صورت مستقیم به دوستی و همکاری با حاج‌آقا گذشت.»

شیوه برخورد با آقای زاویه‌دار!

صبوری و سعه صدر از دیگر ویژگی‌های حاج احمد در رفتار با دوستان و حتی بدخواهانش بود. هیچ‌وقت اهل تلافی کردن و خشم‌های آنی نبود. اینکه حالا اگر کسی به قول معروف چوب لای چرخ گذاشت و به در سر هایش اضافه کرد در وقت ناتوانی از او انتقام بگیرد، در مرام و مسلکش نبود. بهار لویی تعریف می‌کند: «در میان کاسبان بازار فرد کج خلقی بود که با حاج‌آقا حسابی زاویه داشت و همیشه به هر جایی با او مخالفت می‌کرد با اینکه پشت سرش عادت به بدگویی داشت. حاج احمد از همه ماجرا مطلع بود و کاملاً می‌دانست این فرد فضا را علیه‌اش مسموم می‌کند، اما به رو نمی‌آورد. این ماجرا ادامه داشت تا اینکه خود این آقای زاویه‌دار با حاج‌آقا، با کاسبان هم‌صنفش دچار مشکل شد و همه شکایت پیش حاج احمد بردند و کلی گلابه کردند. یادم نمی‌رود؛ با همه بدی‌ها و رفتارهای زشتی که در حقش کرده بود، در زمان گله‌گذاری شاکیان، رسم جوانمردی را به‌جا آورد و کوچک‌ترین حرفی علیه آن مرد نزد و فقط شنونده در دل شاکیان شد.»

در جمع خسارت‌دیدگان کوچه سیدولی



محال بود جایی کاسی یا جمعی از کاسبان دچار حادثه و خسارت شده باشند و حاج‌آقا از کنار این ماجرا بی‌تفاوت عبور کند یا به واسطه پیگیری ماجرا شود. هر جا متوجه می‌شد برای کسی مشکلی پیش آمده، شخصاً وارد میدان می‌شد تا مشکلات را بر رسی و اقدام به تأمین نیاز فرد صدمه‌دیده کند. بهار لویی در این باره یاد از ماجرای آتش‌سوزی پاساژ کیف و کفش در بازار تهران می‌کند: «پاساژ کیف و کفش در کوچه سیدولی آتش گرفت و کاسب‌ها خسارت زیادی دیدند. تعدادی از آنها حتی بیمه هم نداشتند. حاج‌آقا شخصاً رفته با فروشنده‌ها صحبت کرد، میزان خسارت‌های وارده را برآورد کرد و به همه خسارت‌دیدگان وام ۵۰ میلیونی بدون بهره داد.»